

# آرمان‌ملت

## ادگان حزب ملت ایران

سال یکم شماره ۱۲۵ سهشنبه بیست و هفتم خرداد ماه ۱۳۵۹ بهای ۱۵۰۰ ریال

### خلع ید، نیروی شگرف کارگران ایران را به جهان ملتها شناساند

بقیه در صفحه دوم

زادروز سرور شهیدان فرخنده باد

سوم ماه شعبان برای زادروز حسین بن علی (ع) سومین اخت تابناک آسمان امامت است. طلوع آن خورشید در خشان که به حق طلبان جهان درس ایستادگی و جانبازی آموخت، بتمام مسلمانان بویژه همیه نان گرامی، فرخنده باد.

### اویسی جلا در ایران است، در تهران است، اور ابکشید.

در آن داستان، مرغانی را مشاهده میکنیم که جوینده سیمرغ آن مظہر پاکی و تقوی و فضیلت و طهارت هستند. مرغانی را مصمم می‌بینم که میخواهد به کوه «قاف» پر واز کنند و سیمرغ افسانه‌ای خود را بیابند و اورا سپه سالار خود سازند، از او فرمان برند، پاک شوند، متقدی گردند و به فضیلت و طهارت برسند. در این راه چه اشتیاق و شوری از خود نشان میدهند.

بقیه در صفحه ششم

داستان شیرین «منطق الطیر» است که شیخ فرید الدین محمد عطار نیشابوری آنرا با هنرمندی تمام بنظم کشیده و شاید یکی از لطیفترین و زیباترین یادگارها ادبی جهان بشمار آید. هر ایرانی در دنی که تباش شدن نهادست بزرگ ملتش را می‌بیند، با خواندن این داستان شورانگیز، اندیشه دیگری در ذهنش بیدار میشود که در واقع برعکس جهت حرکت مرغان حقیقت جوئی است که رهروان راستین داستان

که خواندن و دانستن و الهام اسلامی که بی‌تر دید اندیشه‌های ایرانی در شکل گیری آن سهم امروزین ما میگردد. یکی از این داستانها که بعد چند صد ساله را در هم میریزد، آموزنده و دلپذیری یافت میشود

### حرمت قانون

نا ایمنی همه کشور را به قب و تاب افکنده

انقلاب، هر گز به معنای نایبود ساختن قدرت و حرمت قانون نیست. انقلاب، به معنای درهم شکستن قانونهای ستمگرانه و برقرار ساختن قانونهای دادگرانه میباشد و اگر قانونهای ستمگرانه درهم شکسته شود ولی بجای آن قانونهای دادگرانه برقرار نگردد جامعه به دوران بی‌قانونی بازگشت داده شده است.

دوران بی‌قانونی در فرهنگ سیاسی «قانون جنگل» نام گرفته که به معنای بی‌قانونی است، به معنای گشاده داشتن دست زورمندان برنازانان است و هر بی‌قانونی چنین خصلتی را در خود نهان دارد.

بی‌قانونی، به معنای فروکوفتن دست زور برسر ضعیف است و قانون جنگل هم همین است. بی‌قانونی، فقط در نبودن قانون نیست، حرمت نگذاشتن به قانون و بی‌اعتنای ماندن به قانون نیز بی‌قانون را به یاد می‌آورد و «قانون جنگل» را.

وجود قانون در اثر آن میباشد و اگر قانون از اثر ساقط شود باز گشته به دوران «قانون جنگل» است. کاربدستانی که آشکار یا پنهان، حرمت قانون را می‌سکنند و خواست و اراده خود را جانشین قانون می‌سازند، در حقیقت جامعه مارا به دوران «قانون جنگل» بر می‌گردانند. اگر قانونی ناروا است می‌باید به درست گردانیدن آن پرداخت و برای درست گردانیدن قانون‌ها و به همچنین برای برقرار داشتن قانونهای تازه، حتی بعداز انقلاب شیوه‌هایی بینان نهاده شده و بروان از این شیوه‌ها هیچ قانونی نباید برقرار گردد.

بی‌اعتنای ماندن به قانون، یا برقرار ساختن قانون بروان از شیوه‌های قانونگزاری، نه همان گشاده داشتن دست زدن نظام اقتصادی و اجتماعی کشور نیز هست.

در قضایی که حرمت قانون شکسته شده، تلاش اقتصادی از رونق بازماند و امان اجتماعی از خاطر مردمان بریده میشود و شوریدگی‌ها پدید می‌آید، که بی‌گمان فرمانروایان و زورمندان را هم به سر می‌افکند.

آن کاربدستان که بر قانون بی‌حرمتی روابیدارند و گمان میبرند که بدین کردار، پایه‌های قدرت خود را استوار می‌سازند، به سختی در اشتباه‌اند، آنان، با رفتار قانون‌شکانه، «نظم حاکم» را به گردابی می‌کشند که بی‌گتفتو خود به بدنامی در آن غرق خواهند شد.

حرمت گذاشتن بر قانون، به کردار است، اگر کردار کاربدستان چنان باشد که حرمت از قانون به زداید، بو کهتر و مهتر منزلت نخواهد ماند، و نظام از زندگی اقتصادی و اجتماعی رخت برخواهد بست.

و دریغا که از پس انقلاب اسلامی ملت ایران، بسیاری کاربدستان، بی‌حرمتی بر قانون روا داشتند، و برداشت و موابدید خود را قانون خواندند. اینان بنا به خواست و تشخیص خوش دست به کارهایی زدند که باور نکردندی است.

در کار پاکسازی اداره‌ها، به خواست خود و بی‌هیچ قانون روشن کیفرها بر مردمان روا داشتند، در دادرسی‌ها، دادرس به تشخیص خود به هر کار بقیه در صفحه دوم

### مصطفی داریوش فروهر

روز چهارشنبه بیست و یکم خرداد ماه، همزمان داریوش فروهر دبیر حزب با خبرگزاری پارس مصاحبه‌ای داشت که بخشی از آن در روزنامه‌ها انتشار یافت و اکنون با توجه به اهمیت موضوع متن کامل مصاحبه چاپ میگردد.

داریوش فروهر وزیر مشاور و دبیر حزب ملت ایران ذر گفت و گوئی با خبرگزاری پارس پیرامون موضوع دستگیری خسرو سیاسی است.

می‌شود.

یکی از بارزترین نشانه‌های کوشش برای جلوگیری از پا گرفتن نظام جمهوری اسلامی ایران بخوبی که در قانون اساسی پیش‌بینی شده است، زیرا نهادن حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی مردم و بخصوص تجاوز به گردهم‌آثیه‌ای سازمانهای سیاسی است.

بقیه در صفحه ششم

### در دادرسی جاسوسان بازداشت شده درنگ نکنید. تو طه علیه حاکمیت ملی ایران بخشودنی نیست.

شده در لانه جاسوسی امریکا است. انقلاب اسلامی ملت ایران در به کیفر رساندن گناهکاران بزرگ و آنها که علیه ارزشها تاریخی و دینی و ملی مادست به توطئه زده‌اند، نباید درنگ کند. لانه جاسوسی امریکا در تهران سرچشمه اصلی همه آسیب‌هایی است که در طول میاندن جاسوسان بازداشت

اعتبار نامه بیشتر نمایندگان مجلس شورای ملی جمهوری اسلامی ایران تصویب شده است و مجلس می‌بود که امداده کار شود. در میرابر این مجلس دشواریهای گوناگون قرارداد که تصمیم‌گیری‌های سریع و قاطع را بایجاب می‌کند و یکی از این دشواریهایها، می‌تکلیف ماندن جاسوسان بازداشت

فرخنده باد بیست نهم خرداد، روز «خلع ید» از استعمار



# در دادرسی جاسوسان بازداشت شده ڏرنگ نکشد

آنان کیفری در خور، بار کرد.  
در به دادرسی کشیدن این  
جاوسان، نباید از مفهوم‌های  
جعلی، حقوق بین‌المللی و اهمه  
کرد. سالها است که همه دنیا  
دانسته و فهمیده‌اند که  
ابرقدرت‌ها از این حقوق فقط  
نامی بی‌اساس و بی‌معنی باشند  
نهاده‌اند و همه‌ی ملت‌های  
جهان دانسته‌اند که به اتش  
کشیدن روسه‌ای ...  
ویتنام و قتل عام روس‌ستانیان آن  
توسط آرتش امریکا، به موجب  
حقوق بین‌الملل نبوده است.  
سالها است که همه مردم  
جهان آگاه شده‌اند که وظیفه  
اصلی که بر عهده سازمان  
«سیا» گذارده شده با اساس  
حقوق بین‌المللی سازگار  
نیست، همه می‌دانند که  
وظیفه اصلی این سازمان،  
توطئه و تحریک برای سرنگون  
ساختن حکومتهای چون  
حکومت «دکتر مصدق» در  
ایران و «آلنده» در شیلی  
می‌باشد و امپریالیست امریکا،  
هیچگدام از قاعده‌های حقوق  
بین‌الملل را به کار نبسته  
است.

این جاسوسان امریکائی  
برای اجرای حقوق بین‌الملل و  
برقراری روابط عادی به میهن  
ما نیامده بودند اینان آمده  
بودند تا انقلاب اسلامی ملت  
ایران را اخْطَب بنیاد مند خود  
دور کنند و به استقلال ملی،  
آزادی‌های فردی و اجتماعی  
مردم، تجاوز کنند و بسی کیفر  
گذاردن اینگروه به هیچ عنوان  
پذیر قتنی نیست.

بقیه در صفحه پنجم

سالیان دراز بر پیکر ملت  
ایران وارد آمده.

همه عناصری که در «نظام  
سلطنتی» وابسته به بیگانه  
بخصوص بعد از کودتای بیست  
و هشتم مرداد ماه ۱۳۳۲ در  
ویرانی میهن ما کوشیدند از  
جاسوسانی الهام می گرفتند  
که اکنون گروهی از آنها در  
یک حرکت انقلابی به دام  
افتاده اند.

جاسوسان بازداشت شده  
در لانه جاسوسی هرگز به  
حقوق بین الملل و ارزشهاي  
اخلاقی موردن قبول در روابط  
بین المللی التفاوت نداشته اند،  
این جاسوسان از مصونیت  
نمایندگان سیاسی کشورهای  
خارجی پردهای ساختند، تا در  
پس آن خواستهای غیرانسانی  
خود را برآورده سازند و فقط  
به یک اصل احترام  
می‌گذاشتند و آنهم حفظ  
منافع انحصاری امپریالیسم  
آمریکا است.

با زادداشت شدگان در لانه  
جاسوسی با آموزش‌های قبلی  
برای پریشان ساختن استقلال  
سیاسی و اجتماعی و اقتصادی  
و فرهنگی ملت ایران به کشور  
ما گسیل شده بودند.

اکنون، کارهای نازروای  
جاسوسان بازداشت شده، بر  
همه مردم عدالتخواه جهان  
وشن شده است، اکنون همه  
سلطها به درستی دانسته و  
در یافته‌ماند که این جاسوسان  
جهه زخمها بر پیکر می‌پهن ما  
وارد کردند، پس بدون  
کوچکترین تردیدی می‌باید  
نها را به دادرسی کشانید و بر

خرید یک کیلو میوه درختی باید  
تا حدود چهارصد ریال پرداخت.  
گرانی سرسام آور مردم را بستوه  
آورده واز خود میپرسند دولت  
نقلاً تاکی اجازه خواهد داد  
که سودجویان خون مردم را  
بمکند!

قانون اساسی جمهوری  
اسلامی ایران، احتمار، انحصار  
ورباخواری را منع نموده و رهبر  
انقلاب بالحن تنندی به  
گران فروشان اخطار نمودند و در  
بیام خود به این مناسبت اظهار  
داشتند «من از فروشنده‌گان  
خصوصاً آنچه که مربوط به  
رتراد مردم است تقاضا میکنم  
دست از تعدی و اجحاف بردارند  
و به اخلاق اسلامی بازگردند»  
ولی باكمال تاسف بسی از  
سپری شدن شانزده ماه که از  
بیروزی انقلاب می‌گذرد و شش  
ماه بعد از تصویب قانون اساسی  
جمهوری اسلامی ایران، باز هم  
دیده میشود که انحصار، احتمار  
ورباخواری بایود نشده واين  
بیدیدهای رشت سرمایه‌داری  
هنوز در جامعه انقلابی مادیده  
میشود و دست اندکاران دولتی  
نه تنها برای دگرگونی آن قدیمی  
برنداشتمند بلکه در بسیاری از  
موارد تنگناها و نارسانی‌های  
تازه‌های بوجود آورده‌اند که خود  
باعث گرانی سرسام آور اصرroz

شدید است.  
مردم گرانی، بخصوص گرانی  
نان، گوشت، میوه و تره بار از  
چشم وزارت کشاورزی و عمران  
روستائی و وزارت بازارگانی  
می بینند. اعتقاد دارند نداشتن  
یک برنامه روش و گویا در تولید  
عامل اصلی این افرایش قیمتها  
می باشد. وزارت کشاورزی دست  
دلال ها را باز گذارد و بدون  
پیروی از هیچ سیاست خاص  
اقتصادی و تولیدی تماشگر  
صحنه بوده و در عمل بر تولید  
توزیع و فروش همان نظامی حاکم  
است که در پیش از انقلاب وجود  
داشته است و بهمان روش ها تولید  
کننده فرآورده های کشاورزی  
و دامی و مردم که مصرف کننده  
آن هستند و سیله سلف خرها و  
واسطه ها و فروشنده ها چپاول  
و غارت می شوند. دولت در دوران  
انقلاب نه تنها نظام واسطه گری  
و دلالی را داد گرگون نکرده بلکه با  
سیاست نادرست خود به آنها  
فرغت و میدان فعالیت بیشتر  
دارد است.

گرانی سرسام آور  
نیازمندیهای روزمره، مردم را به  
تنگ آورده و قدرت زندگی را از  
آنها سلب کرده است و انتظار  
دارند که کار بـدستان با  
برنامه‌ریزی درست وارد عمل  
شده و سخنرانی و کمیسیون بازی  
را کنار گذارد و به یاری آنها  
بشتاً بند و چنانچه در خود توانائی  
انجام این کار را نمی‌بینند با  
بینش انقلابی کنار رفته و کار را  
به کسانی که آگاهی و توانائی  
دارند، بـسپارند.  
فروشندۀ روبرو شد، در گیری  
سختی بوجود آمد و سبب گردید  
که زنان حانمان خیابان گرگان  
وارد عمل شوند و با اعتراض

گرانی مردم را به ستوه آورده است

خشم مردم پی آمدهای  
در دنای خواهد داشت

بیشتر مردم، قدرت خرید نیازمندیهای خود را نداشته فقط گروه اندکی هستند که از داشتن پول کافی برخوردارند و در موقع خرید حتی قیمت آنرا نمیپرسند و توانائی تهیه هر چیز را دارند و یادسته توکیسه دیگری که بتصدق سرانقلاب، صاحب نام، جاه و ثروت شده‌اند.

امروز گرانی سراسام آور، نگرانی روز شده و در هر خانه، دکان و اداره‌ای صحبت از آن است، مردم نمیدانند بادرآمد اندک و ثابت خود چگونه پاسخگوی افزایش روزانه هزینه‌ها باشند.

کمیابی و گرانی سراسام آور، گذران زندگی را بمردم تنگ کرده است. بس از پیروزی انقلاب در شانزده ماه گذشته کار دستان دولتی کوچکترین قدامی برای پائین آوردن یمتها و بطرارت بر آن احتمام بداده، نظم پوسیده گذشته در تهیه، وزیر و قیمت‌گذاری کالاهای پا رجا بوده و سرمایه‌داران، وارد گشندگان و دلالان باد در دست اشت آهرم قیمت‌ها و افزایش روزانه آن تاکنون بتحوی عمل موده‌اند که اگر برای رفع این شواریها حرکتی سریع و انقلابی

گرانی فقط یک بفرنج  
اقتصادی بشمار نمی آید بلکه یک  
بفرنج سیاسی است که در حل آن  
باید کوشش بسیار کرد تا ضد  
انقلاب و دشمنان ایران بیش  
از این بسود خود از آن بهره  
برداری ننمایند.

سرمایه داران و رمیندaran  
بزرگ که در «نظام آریامهری»  
دست اندر کار شهر ک ساری و  
آپارتمان سازی بودند بادگر گون  
شد و صع، سود خود را در راه  
دیگری جستجو میکنند و بیکار  
نشسته و قسمت عمده آنها دست  
بکار بازرگانی خارجی زده‌اند و  
بسیاری از کالاهای ضروری مردم  
را در احصار خود درآورده‌اند و  
خون مردم رامی مکند و بخصوص  
باتحریم اقتصادی احیـر  
از بیراهمهای گوـماگوـون، حنسـهـای  
خریداری را به ایران رسانده و  
با استفاده از نبود نظارت واقعی  
بهـرـقـیـمـیـ کـهـ بـتوـانـدـ بـمرـدمـ

# ضرورت گسترش نهضت کارگری

## همه کارگران ایران را به ایجاد اتحادیه‌های کارگری فرامی‌خوانیم

این رمیمه‌ها، سدیکالیرم اثرهای شایسته بر جا می‌گذارد.  
سدیکالیرم یک نهاد اساسی صفت است و هر تلاش برای حل‌گیری از برآمدن و بالا بین آن، در حقیقت کشاییدن جامعه به کام تلاطمه‌های گوه‌گون است.

سیدیکالیرم بحث برگی از  
حیات اجتماعی کارگران و سنتون  
استواری در ساحت سیاسی  
جامعه است. هر کوشش در  
گسترش سیدیکالیرم، به معنای  
کوشش در اجرای عدالت  
اقتصادی و اجتماعی و پایداری و  
همستگی جامعه ملی است.

حرب ملت ایران، همه رنگ و  
مردان کارگر را در آستان روز  
فرخده حلقه بیدار استعمار،<sup>۲</sup> روز  
کارگران ایران<sup>۳</sup> به گسترش  
سدیکالیرم و ایجاد اتحادیه‌های  
کارگری فرا میحواد.

آگھی حصروراثت

خانه رهرا متسافجو  
بشناسنامه ۳۴۵، رامسر شهر سوار،  
بشرح دادحو است کلاسه  
۷۴۵<sup>۰۵</sup>/۸۵ این شعبه نوصیح داده  
شادر وان محمد رضا موسوی  
بشناسنامه ۲۲۷۹ تهران در  
تاریخ ۱۱/۱۱/۵۸ در محل اقامگاه  
دائمی خود تهران فوت نموده و  
حین الفوت ورثه وی عبارتند از  
یک عیال دائمی بام مستقضیه و  
سه دحتر بسنانهای ۱- گلنار  
موسوی بشناسنامه شماره ۴۰۹  
صادره تهران ۲- گلزار موسوی  
بسنانامه شماره ۴۱۱ صادره  
تهران ۳- مرسدہ موسوی  
بسنانامه شماره ۳۱۰ صادره  
تحریش و مادر بام عربت  
 محمودی بشناسنامه شماره  
۳۷۸۸ صادره تهران و بعیر ار  
نامبرد گان فوق ورته دیگری  
ندارد.

لذا مراتب یک بوبت اصلاحی  
یک مرتبه در رورنامه رسمی و  
محلي آگهی میشود تا چنانچه  
کسی اعتراض دارد یا  
وصیتماههای از درگذشته نزد  
اشخاصی باشد طرف سه ماه از  
نشر اولین آگهی بدادگاه تقدیم  
دارد والا گواهی صادر حواهد  
شد و هر وصیتماههای جر رسمی  
و سری که بعدار این موعد ابراز  
شود از درجه اعتبار ساقط است.  
رؤیس شعبه ۴۷ دادگاه صلح  
تهران - افسارچی

- ۲ حسین خردپی به شناسنامه
- ۱ صادره ار تهران پسر متوفیه
- ۳ فاطمه خردپی به شناسنامه
- ۴ صادره ار تهران ۹۳ صدیقه
- ۵ صادره به شناسنامه ۲۲۵ صادره
- ۶ ز ساوه فریدان آن مرحومه ورثه

لذا مراتب سه نوبت ماهی یک مرتبه در روزنامه رسمی و محلی آگهی میشود تا جنابه کسی عراضی دارد یا وصیتnameای از درگذشته نزد اشخاصی باشد ظرف سه ماه از نشر اولین آگهی به دادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد و هر وصیتnameای جز رسمی و سری

که بعد از این موعد ابرار سود از درجه اعتبار ساقط است.

## آگھی اصلاحی حصہ و راثت

خانم عرت قیدی بشناسنامه ۹۴ صادره دارآباد شمیران بشرح دادخواست کلاسه ۵۸/۴۴۸ این ۶۰-۱۳۷۰ در تاریخ ۲۸/۱۰/۵۸ در اقامتگاه دائمی خود شمیران فوت نموده و حین الفوت ورثه وی عبارتنداز یک عیال دائمی بنام مستقاضیه و ۵ بسر بنامهای ۱- مرتضی طاهری عطار بشناسنامه شماره ۲۹۰ صادره حوره ۱۱ دارآباد ۲- مصطفی طاهری عطار بشناسنامه شماره یک صادره دارآباد ۳- غلام رضا طاهری عطار بشناسنامه شماره ۴۰۱ صادره دارآباد شمیران ۴- مجتبی طاهری عطار بشناسنامه شماره ۲۳ صادره حوره یک دارآباد ۵- عباس طاهری عطار بشناسنامه شماره ۱۳۹ صادره ۲۹ صادره حوره ۱۱ تهران و بعیاز نامبرد گان فوق ورثه دیگری ندارد. لذا مراتب یک بوبت، یکمرتبه در رورنامه محلی و رسمی آگهی میشود تا چنانچه کسی اعتراضی دارد یا وصیتname از درگذشته نزد اشخاصی باشد ظرف سه ماه از شر آگهی به حوزه دادگاه شورای صلح تقدیم دارد والا گواهی صادر و هر وصیتname جز رسمی و سری که بعد از این موعد ابراز شود از درجه اعتبار ساقط است.

رئیس شعبه ۴۷ دادگاه صلح تهران- افسارچی

آگهی حصر و راث  
بجاجی روزنامه جبهه ملی  
آفای عبدالله خردپی به  
شیاستامه ۵۷- تهران بشرح  
داد حواس است کلاسی ۳۵/۳۵-  
۱۳۳۶ این شعبه توضیح داده  
شادروان دسته گل کیانی  
با شیاستامه ۶۸۵۷ در تاریخ  
۱۳۵۸/۲/۲۰  
حینی العوت آن مرحومه عبارتند از  
۱- مسقاضی با مشخصات  
قوه‌الدک همسر دائم متوفی.

وآخر فضای آزاد فکری و سیاسی  
ورشد صنعتی، رمیمه پدید آمدن  
سندیکا لیرم را هموار می دارد.  
سندیکا لیرم هم، با استوار  
داشتن ریشه های خود و با نظم  
بحشیدن به بهشت کارگری به  
استقرار فضای آزاد فکری و  
سیاسی و به رشد صنعتی،  
یاری های می رساند.

سندیکا لیرم، در رشد طبیعی  
جامعه های که رو به صنعتی شدن  
دارد، یکی از عامل های اصلی  
است و دارای وظیفه های مبیاشد،  
که دیگر عامل های اجتماعی به  
ایفای آنها، قادر نیستند.

سندیکا لیرم، وظیفه دارد، با  
بهره گیری از موضوع حقوقی  
سیاسی خود، شرایطی را فراهم  
آورد که در پرتو آن بتوان یک  
شبکه گسترده از قاعده ها  
و سنت های صنعتی پدید آورد که  
حاکم با بر روابط عامل های  
گوناکون صفت باشد.

سندیکا لیرم، وظیفه دارد،  
شرایط لارم برای پدید آمدن و  
پاگرفتن «ساحت قصائی» صفت  
را آماده کدو سپس به گسترش  
یافتن این ساحت کمک های  
انسانی دارد.

سیدیکا لیرم، وظیفه دارد تمام شرایط لازم برای امیتی روانی کارگران را تدارک بیند. سیدیکا لیرم وظیفه دارد بر احسان تنهائی کارگران غلبه کند و در آنها احسان و ایستادگی به یک مجموعه نیرومد را بیندو سارد.

سیدیکا لیرم وظیفه دارد با شرکت دادن کارگران در تصمیم گیری‌های گواگون، در وجود ایشاره ادارک مسئولیت‌های کارگاهی و سیاسی را برآنگیرد.

سیدیکا لیرم، وظیفه دارد به کارگران موقعيت اجتماعی، حیثیت سیاسی و ثبات عاطفی ارجامی سارد. سیدیکا لیرم وظیفه آمورشی سگین و گستردادی در برابر کارگران دارد و باید برای آنها یک آمورشگاه، یک پشتیبان و یک حلقه ارتباطی ساهمه فضاهای پیرامون ساشد و حصلتهای لارم برای ردیگی در متن حیات صفتی را در کارگران پرورد. سیدیکا لیرم دهها وظیفه اساسی دیگر در برابر کارگران دارد، که همچ بهاد دیگری را نمیتوان سرعان کرد تاهمه آینکن وظیفه‌ها را بائزمه و آرامی در برابر کارگران، بانجام ساند.

سندیکالیرم در برابر حاممه ملی  
نیز وظیفه‌های بسیار برعهده  
دارد و می‌باید از حقوق آزادیهای  
فردی و اجتماعی مردم دفاع کند  
و در راه گسترش آن کوشش  
نماید.  
سندیکالیرم می‌باید در ایجاد  
و نگهداری تعادل اقتصادی  
جامعه، از طریق مناسب داشتن  
مردها و قیمتها، تلاش نماید.  
سندیکالیرم باید پیشرفت‌های  
فسی و صعی را ساخته‌های  
رواسی و احتماعی کارگران  
همه‌هیگ کند تا از پدید آمدن  
سی‌تعادلی در ساخت عصی  
حاممه خلوگیری شود.  
سندیکالیرم باید حلقه‌های اط

نگاهدارد و از اینرا، برایداره و  
چگونگی نولید آسیبهای عیل رام  
وارد آورد، به افوهای سیاسی  
کشور نگاه میکند و در منش حیات  
سیاسی- اجتماعی کشور حای  
مکمل د.

پهصت کارگری با شناخت و قبول مسئولیت اقتصادی خود در گسترش نظام صنعتی، به تلاش مبپردارد تا موضع‌های سیاسی و حقوقی به دست آورده را استوار سازد و گسترش بخشد و مجموع این تلاش با رمیمهها و نظامهایش را در کشورهای صنعتی پیشرفتنه سندیکالیسم نام نهاده‌اند.

سندیکالیسم، همپای رشد صنعت، در کشورهای پیشرفته صنعتی شکل گرفت، و همچون بسیاری دیگر از بهادها و اندیشه‌های پدید آمده از صنعت، به کشورهایی که صنعت نوبتاً دارند، فرستاده شد. ما، همراه با ابرارهای صنعتی و ماشیهای تاریخ، این اندیشه را پیر دریافت کردیم ولی به سبب آنکه در میهن ما، تمکر شدید قدرت، هر رنگ و نمود مردم سalarی را ارجویه اداحته بود، سندیکالیزم، توانست در بعثت کارگری ایران جای شایسته حود را دریابد.

سندیکالیرم تری که بتوان  
مرلت ماسب حود رادر جیا  
احتمناعی سیاسی احرار کند، به  
حداقلی از مردم سالاری برای  
بالیدن و قد کشیدن به فصای  
آزاد سیاسی و فکری بیار دارد.  
بدون وجود چنین فصائی، جیا  
یاقنت و به حرکت در آمدن  
سندیکالیرم میسر بیست و چون  
چنین فصائی در میهن ما موجود  
نداشت، به ماچار، سندیکالیرم هم  
توواست حیات باد و اعلام  
و محمد کند.

این فصای سیاسی و فکری مسیهٔ مسا. دست کم آن اداره آزادی را، که برای پدید آمدن و حرکت کردن سندیکالیرم لارم میباشد. فراهم داشته است و سندیکالیرم میتواند و باید، با بهره‌گیری از شرایط موجود آثار به حرکت کند. اکسون سندیکالیرم به فقط میتواند حرکت پرثمر خود را آغاز کند.

بلکه به گونه‌ی یک مسئولیت سکیم تاریخی، دست‌اندر کاران نهضت کارگری و طیفه‌دارند. که به آیاری و پرورش سندیکالیرم دست برند.

سندیکالیرم فقط حالت پذیرندگی ندارد، سندیکالیرم در زمینه سازندگی و توسعه ملی، مسئولیتها را سکیم برپانه دارد.

سندیکالیرم تنها یک پدیده‌ی برآمده از رشد صنعتی و توسعه اجتماعی نیست، سندیکالیرم در فراهم آوردن زمینه رشد صنعتی و توسعه اجتماعی کشور، ما موربته‌دارد که باید آنها را ادا کند و متوقف ماندن یا کند حرکت کردن سندیکالیرم، به حیات ملی آسیب می‌زند.

را در ساخت اجتماعی- سیاسی به کار میگیرد. پیشتر فتهای فنی و به میان آمدن شیوه‌های تولید انبوه، چنان اقتصادی نماید که واحدهای صنعتی عظیم با سرمایه‌های سنگین و شمار بسیار کارگران پردازد و دید آمدن چنین واحدهای سنگین صنعتی و بسیج انبوه مردم به صورت کارگر صنعتی، حیات عمومی جامعه را با صنعت پیوندی ناگستینی می‌بخشد و صدای صنعت در فضای سیاسی کشور طبیعی می‌افکند. صنعت در شکل پیشرفته و گسترده خود، به یکی از خاستگاههای اصلی اقتدار سیاسی بدل میشود و صنعت دیگر فقط یک قدرت اقتصادی باقی نمیماند.

جای گیری صنعت در حیات سیاسی و گسترش زمینه‌های عملکرد آن و فرآگیری آن در کشاورزی و سیاست از خصوصیات

بررسی می‌شود. یعنی در ساخت و تأمین این کارخانه‌ها، از خدمتی و جدا شدن اجتناب ناپذیر مالکیت صنعتی از مدیریت، حال و هوای صنعت را دمگرگون میدارد. در حال و هوای تازه، صنعت به عنوان استخوان‌بندی نظام اقتصادی- اجتماعی کشورها، نمی‌تواند دیگر در التهاب دائم غوطه زند و نمی‌تواند صحنه نبرد بی‌امان گروههای در گیر باشد و افزایش کارآئی صنعتی به گونه‌ی یک ضرورت تخلف ناپذیر ادامه حیات ملی ایجاد می‌کند که

روابط همه بیرون و عامل‌های دستاندر کار صنعت در یک نظام قانونی قالب گیری شود. پدید آمدن حقوق کار و قراردادن احکام آن در شمار قواعد آمره پاسخی است به این ضرورت. و با این شکل گیری حقوقی و اجتماعی التهاب صنعت‌های نبرد صنعتی کاهش می‌یابد و برخورد، عاملهای دست اندر کار صنعت به یک جبهه نظم یافته

این چنین قدرتی، و اکنشهای سازمانهای کارگری را، به گونه‌ی ناگریر، به راستاهای خاص می‌کشاند و این سازمان‌ها در برابر قدرت عربیان و بی‌محابای حاکم‌بیر کارگاه، راهی ندارند. جر آنکه به سیزه برخیزند، ستیرهای هرچه گرمتر و هرچه بی‌امان‌تر.

دوران نوجوانی صنعت، بدین سان، با در گیری‌های تند و

کارگری بعیر سیزیر میگردند.  
در جبهه نظام یافته قانونی،  
سازمانهای کارگری مقامی به  
دست آورده بسیار والاتر از  
آنچه در آغاز داشتند ونهضت  
کارگری، با احساس مسئولیت  
سنگین در ادامه حیات ملی،  
شیوه عمل و هدفهای تازهای  
برمی گزینند.  
نهضت کارگری با اتکاء به  
شمار بسیار کارگران سازمان  
پذیرفته و با اتکاء به موقع حقوقی  
که در ساخت اجتماعی- سیاسی  
کشورها به کف می آورند،  
شیوهای مبارزه دوران نوجوانی  
صنعت را دیگر مناسب نمی بینند  
و شرط عالم تازهای داشتند.

و کلای شر افتمند داد گسترش  
با نزدیک شدن خطر، برای  
حفظ استقلال کانون و کلا  
متحد شویم.

در رابطه با نصیمی شورای انقلاب برای تعطیل اصحاب هیئت مدیره کابوون تلگرام ریر محابره شده است.

## جناب آقای رئیس جمهور روبوش مجلس شورای اسلامی جمهوری اسلامی ایران-

روبوشت جناب آقای فروهر

حسب اعلام هیئت بطارت انتخابات کابوون وکلاء که در

حدود یک ماه پیش باطلاع عموم رسیده است امروز (شنبه ۲۴ خرداد) برای انتخابات هیئت مدیره کانون و کلاء تعیین شده است. متأسفانه در آخر وقت رور پنجه‌شنبه از طریق رادیو اطلاع حاصل شد که حسب تصمیم شورای انقلاب، انتخابات کانون تعطیل شده و انجام آنرا موکول به پاکسازی در جامعه و کالت نموده‌اند. بدون اینکه تاریخ اجمام پاکسازی و ضرب الاجل آن معین باشد. اتحاد چنین تصمیم خلق الساعه و اعلام آن در رادیو در آخرين لحظات که وکلای دادگستری از اقصی نقاط کشور به سائمه اجمام وظیمه اجتماعی و صفعی بتهرا آمدند حکایت از یک وضع غیر عادی و غیر اصولی می‌کند. بخصوص که این تصمیم طبق معمول نا امضاء رئیس جمهور و رئیس شورای انقلاب ابلاغ نشده است. هیچیک از وکلای دادگستری محالف با تصفیه جامعه و کالت از عناصر ناصالح نیست ولی تعطیل کردن انتخابات کانون باین سبب هیچگونه محور قابوی و مسطقی بدارد ریرا کانون و کلاء ۳۰ نفر از عناصر مرتبط با سواک زا که شناسائی شده بودند از جامعه و کالت طرد نموده و اگر بار هم عناصر معدودی از این قماش در بین و کلاء وجود داشته باشد سبب عدم همکاری دستگاههای دولتی و مرکز اسداد ملی در معروفی آنها است که سوابق موجود در کانون مؤید این مطلب است. و کلائی بیز که در حدمت رژیم گذشته بوده یا اآن همکاری داشته‌اند اکتر امتواری و در حراج کشورید لذا سبب و کلائی که از هر دسته و گروه مشمول تضعیف واقع حواهید شد به سبب تعداد و کلای دادگستری که اکثریت قریب ساتفاق آنبار افراد شرافتمد. آزاده و صالح شکیل میدهد آنقدر بیست که بتواضد در سریوش انتخابات

مودر باسند  
تعطیل انتخابات کابوون باین عنوان، جر این نیست که  
وکلاء دادگستری از حق مستروح و قانونی خود برای اداره  
امور خوبیش محروم شده و اولین ضربه باستقلال این بهاد  
اجتماعی که در کمال افتخار وظائف خود را نسبت بانقلاب  
ایران صمیمانه انجام داده است وارد گردد.  
با توجه به مراتب ضمن اختلاف شدید باین تصمیم که  
منافی استقلال کانون و کلاء دادگستری است، تقاضا دارد  
از هر گونه دخالت که موجب تأخیر انتخابات گردد ممانعت  
بعمل آورند.

دکتر اسدالله مبشری  
ابراهیم فخرائی  
دکتر عبدالکریم انواری  
محمود ابطحی  
انور حمیدی  
احمد رضی رضوی  
منوچهر مسعودی  
علی اشرف منوچهاری  
دکت حشمتالله مقصودی

آگهی حصر و راثت  
جای رورنامه حبیبه ملی  
اقای دکتر حسینقلی نازان  
کیل داد گسیری و محمد  
یسف سپریری کارآمور و کا  
شرح دادحواس کلا  
۱۴۴۹/۵۰ این شعبه سوچ  
اده شادروان سیدحسین دش  
شناسامه ۶۷ در سار  
در گردشته ورنه  
میارنست از خانه دشگ  
شناسامه ۲۱۹۹۳ مادر منو  
لذا م اتب سه بعت مام

ار قصات شیعه ماند قاصی بورالله و مر حوم آشیانی و حاج ملاعلی کسی و امتال آنها رویه‌ای سیاورید که مصادره اموال حراء محارات در فقه شیعه عمل شده باشد من میمگوییم مال متصوب را از عاصب ساید گرفت بلکه میمگوییم در ردیف محارتها از کتابهای قصاص و حدود و دیلوف و یا از آیات و روایات شیعه دلیل سیاورید که در فقه شیعه مصادره عومن محاراب پذیرفته شده باشد. به یاد عاصب مال را گرفت ولی چقدر یاد گرفت و در تصریف چه کسی یاد فرارداد؟ و چه کسی حوقاً مامد دعوی

با فحش جواب ندهید، فقیه را متهم نکنید، جواب ایرادات را با اتهام و افترا ندهید. روحانیت شیعه در تمام طول تاریخ در اثر تقوی و مطلق علمی خود آبروی خود را حفظ کرد و در برابر چمقداران طاغوتی همیشه میگفتند ما با استدلال و منطق مجهریزم مراجعه کنید بسخترانیهای قبل از انقلاب حناب آقای ربانی شیرازی و امثال این مفاخر (در قم قبل از تبعید) و اگر در حال حاضر عدهای از عناصر افراطی میخواهند از مناطق فقهی خود دور شوند، عملآ روحانیت را خرد میکنند و دوام روحانیت در طول تاریخ متکی به توصیه کسی نبود بلکه به روش عقلائی خود تکیه داشت و اکنون هم اگر غیر از آن حرکت کند پایهای اجتماعی خود را از دست میدهد. پس باین نتیجه میرسمیم که اگر آیت الله پسندیده میگویند روحانیون صالح خود را بکنار کشیده‌اند. یا آیت الله قمی میگویند زندانیهای بیجا، مصادرمهای غلط، احکام نادرست این عبارات حساب شده است و مردم این واقعیتها را میبینند در فقه اهل سنت نیز این مسئله مصادره خلافی است. چند درصد از آراء صادره از این محاکم مستند است؟ مسئله اینست که قاضی در نظام قضائی باید جهات استنادیه را ذکر کند که طبق کدام آیه و روایت حکم میدهد تنها آیهای که خیلی شنیده‌ایم از الذین يحاربون است که مجازات در آن ذکر گردیده که هیچکدام مصادره نیست. خوشمزه‌تر اینکه بعضی از مقدسین داستان بنی نظیر و بنی قربیله را مثال می‌آورند و بعضی هم داستان مرتد و کافر را، و بعد حکم یهود را در مورد مسلمان قابل احرا میدانند، واقعاً خوشایین است بساط و اسلام‌شناسی برلی روحانیون صالح کنارند. (از آیت الله پسندیده در اطلاعات) این حقیر ناچیر که نه آیت الله است و نه حجت‌الاسلام و نه مقلد دارد و نه امام جماعت است و خدا کند که در ردیف مسلمین بحسب آید، عقیده دارد که ای کاش عیب ما را مراجع تقیید ما بگوید تا دشمنان در ما نفوذ نکنند و بدانند ما حodomان از حodoman انتقاد میکنیم. حالا با این توضیح من سوال میکنم اگر یک فقیه شناخته شده مبارز و رنج دیده و تبعید شده و مدرسی که صدها شاگرد تربیت کرده و هزاران نفر هر رور در کنار امام هشتم ساو اقتدا میکنند بخواهد در یک مسئله اسلامی نظر بدده باید باو گفته که تم از هنر و همیدا حمایت کرد؟

ار. ٹوستارسی ریڈیو

۵- از حرم‌سهر پروردگاهی سراغ دارم که فاصلی سرع نمام  
اموال متمهم را مصادره کرده است باین انتها که متمهم مالیات  
بدولت نداده است. آیا دعواهای مالیاتی مربوط بوزارت دارائی  
نیست؟ چه مبلغ مالیات؟ و چه تناسبی میان خواسته (مدعی به)  
و محکوم به وجود دارد؟ مدعی کیست؟ مدعی به چیست؟ دلیل  
اثبات دعوای چیست؟ و فرق دعواهای عمومی و خصوصی

چیست؟ و در این کیفر خواست قاضی شرع تمام اموال زیدی را مصادره میکند باشتنای یک خانه و بعد میویسد حکم شامل اقربای درجه اول متهم میشود یعنی اگر پدر و مادر متهم ۷۰ یا ۸۰ سال قبل چیزی داشته‌اند باید بعوان جرای عمل فرنزند بمستضعفان بدنهد من این کیفر خواست و حکم را دارم.

خوب آیا این عمل اسلامی است؟ در کجا دنیا اینطور  
قضاؤت میکنند پس آیه ولا تزرو ارزه و زرا خری مال کجاست؟ و  
این قضایی واقعاً مجتهد است و ایست قضاوٰت شرعی؟ و اگر  
آیت الله قمی میگویند احکام غیرشرعی صادر میشود باید هژیر  
سنگسری را بهانه قرار داد و با آبروی یک مرجع بازی کرد؟  
۶- در قوچ حصار شهر ری بدستور چند پاسدار زمین کشت  
شده چند نفر آبرومند که مستضعف واقعی هستند ولی نام و  
نشانی دارند اما از داشتن یک آپارتمان مسکونی محرومند را  
بهانه تقسیم اراضی متصرف شدند و مباشر کشاورزی را توقیف  
کردند. آیا این توقیف غیرقانونی نیست؟ شخص توقف شده  
شکایت نماید لایق است که به این اتفاق

سایت به دادسرای اهلاب در بخاری ترسید.  
آیا این زندانی کردن درست است؟ و اگر یکنفر قاضی  
دادگستری یا پاسبان این کار را بیند آیا میدانید چه مجازات  
سنگینی دارد، آیا برای این خودسری ها چه مجازاتی تاکنون  
احرا شده است؟

۷- از دادسرای انقلاب تهران خانه و دارائی پیرزنی را باتهم مصادره اموال شوهرش برداشتی قاشق و چنگال و ظرف غذاخوری، در حالیکه این پیرزن دختر شخصیتی بود که از شوهر متمول تر و قبالة ملکی قبل از زدوج دارد. ایا این عمل با قانون اسلام میتواند.

اکنون این پیرن در یک اتاق رندگی میکند و برای بول آب و برق و تلفن مانده و دهها نفر بمن مراجعه میکند. آقا شمارا بحدا فکری نکید، آیا مستضعفها باید این بولهارا بحورند؟ این عمل مستضعف افرین است یا مستضعف پرور؟ تمام این مطالب مستند است و حاصلم ایس مدارک را در صحنه مساطرہ تلور بوس ارائه کیم.

سوبریوریتی می‌باشد. در نظام قصائی یک قاصی حرأت ندارد محل مأموریت خود را بدون احراز مقام مافوق ترک کند و یا از حوره قصائی خارج شود والا محارات می‌شود. آیا این محارات برای قاصی شرع و خود دارد که هر وقت داشت حواست می‌رود مأموریت و هر

وقت هم بحواسی قهر میکند و نمیرود؟  
۹- در نظام قصایقی قاصی متحلف دارای مسئولیت جرائی است و ترس از محاربات اور را وادار میکند که ضوابط را رعایت کند. آیا قصاص شرع کدام صابطه را رعایت میکند؟ چه مسئولیت جرائی دارند؟ حتماً جواب میدهید محتهند و عیرمسئول و مسئولیت آنها شرعاً است. شرعاً که خودشان تشخیص میدهند. و جاهل را با عالم بحث نیست و از حدا

میزرسد ووو...  
بله من اینها را خوب میدارم و با توجه بهمه این مطالب خود  
را موظف داستم مقاله را بنویسم. بالاخره باید یکی قربانی  
شدم و انتقال سازی کنم و گذاشتم آن. فردیم را شمش تا آئمن الله

سود و اینخار دینی اسلامی کند. بدبارید آن فرد من با اسم نا اینله  
قمنی ها چوب خورند و آبروی اسلام محفوظ بماند.  
ایها درد یک مرتع تقلید است که حود را حافظ اسلام و  
پاسدار مکتب قرآن و عترت میداند و اگر کسی بخود اجازه داد  
در مقابل این انتقادها بگوید اسلام شما اسلام آمریکائی است  
باید در جوابش گفت پس اسلام شما هم اسلام روسیه است و  
شما رجاء را بدهید. اسلام به کمنزمه ششم مذهب

سما بجزی پیاره گردن اسلام به نماییم رسونه میدانیم.  
۱۰- در نظام قضائی دادسرای انتظامی وجود دارد و برای  
قضی متخلف جائی از توبیخ موجود است و در اسلام بیز  
حسگامی که علی (ع) به شریح خطاب میکند هذا اول جورک و  
در جائی دیگر که میخواهد او را اعزل کند میتوان نظیر این  
مجاراتها را یافت. ولی در دادگاههای انقلاب نشان بدھید  
صابطه انتظامات کدام است و مردم در مقابل تضییع حقوق  
خود چه تضمیی دارند؟  
میدانم که جواب میدهید. ما اخطاء القاصی فعلی  
بیتالمال. و همین فکر باعث غرورها و گرفتاریها و خودسریها

شده است.  
۱۱- یکی از مسائل مورد توجه فقهای اسلام در مورد حق‌الناس سد باب حجاج و منازعه است در حا لیکه روش دادی‌ها تحریک باقمه دعیه و دعوت بشکایت کرد. است.

۱۲- در مورد حق الله مسئله در حدود به شبهات آن چنان مورد توجه است که فقهها میگویند بحوز ایقاف الافرار فی حقوق الله یعنی قاضی میتواند اقرار متهم را در حق الله توقف

- ۱۳- مسئله احرار عدالت شهود شاهدین عدليين در کدام دادگاه مورد بوجه است؟
- ۱۴- مسئله استحباب تفرقه گاهها، د، حيد حا عمل شده.

استئناف میکند.

# در دادرسی جاسوسان بازداشت شده در نگ نکنید

همهی این آئین‌ها به جای خود باقی است و می‌تواند درمورد حاسوسان باراداشت شده وسایر برھکاری‌که به دادرسی خوانده می‌شوند به موقع اجراء درآید و در این رسمینه جای هیچگونه نگرانی نیست.

بی دادرسی و کیفر گذاردن جاسوسان زندانی و رها کردن آنها به رشکل، پذیرفتن نوعی تبعیض در اجرای عدالت است که شایسته نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران نمی‌باشد.

اکون که در کشور ماهمهی بزهکار ن بسختی کیفر می‌بینند و هیچ گذشتی وجود ندارد، آزاد کردن اصلی‌ترین جنایتکاران که برضد حاکمیت ملی ایران توطئه میکرده‌اند به نام و عنوان ایسک آمریکائی هستند آنهم بدون دادست نسخه اینها را بازگشایی می‌نمایند.

مجلس شورای اسلامی جمهوری اسلامی ایران باید که در اولین فرستاده دستور دادرسی جاسوسان بازداشت شده را صادر کند و در تشریفها و قاعده‌های ناظر بر دادرسی ایشان هم جای تردید نیست و تنها آنچه آئین‌ها و قانونهای حزائی ایران برقرار داشته باید رعایت گردد، دادگاه باید علنی باشد و باید به آنان اجازه داد که ازوکیل مدافعانه کم بخواهند.

گفته شده است فراهم آوردن دادگاه علنی و اجازه دادن به جاسوسان برای استفاده از کمکهای وکیل مدافعانه ایس گفتگو ابرمری انگیزد که چرا بعد از انقلاب چنین حقوق و چنین تسهیلاتی برای بزهکاران ایرانی نما فراهم نبوده است.

در پاسخ پیش از این باید نسبت به طور کلی قانونهای جزائی ما، بهره‌مندی از این حق را برای همه دادرسی شوند گان شناخته است و اگر درباره چند نفری در چند دادرسی در وضعی استثنائی تشریفهای پیش‌بینی شده قانونی به طور کامل اجراء نگردیده، هرگز معنای آن رادر برندارد که آئین‌های خاص دادرسی‌های جزائی از منتهای حقوقی کشور ما

## آدمان ملت

ارگان حرب ملت ایران

دوره پنجم سال یکم شماره ۱۲۵

همان بود که کارها را برخلاف مملکت خودش انجام میداد»  
- من مدتهاست که برای این جهت نگرانم و به همه آقایان  
این نگرانی را گفته‌ام»  
- «ملکت خانه خودتان است، خانه خودتان را باید اصلاح  
بکنید»

\* \* \*  
بدین اعتبار اویسی در ایران است، اویسی در تهران است،  
اویسی در درون همه ماست، اویسی را دستگیر کنید، اویسی را  
پحاک اندازید.

نا اویسی‌ها را نکشیم! فراموش نکنید!  
فراموش نکنید!

حیات ما و حیات جاودانه ملت ما در نابودی اویسی‌هاست.  
فاعلبروا یا اولو الابصار

ساختیم و بی‌عدالتی و ظلم را حاکم کردیم، در مزارع و کشتزارها  
آنچه افروختیم، گرانی و فقر را دامن زدیم.  
در لیاس دین و بیان اسلام مقدس ناشایسته‌ترین اعمال را  
انجام دادیم و بیاوری و بی‌ایمانی و بی‌فصیلی و فساد را در  
سراسر ایران حاکم کردیم.

نمادهای جماعتمن که لرره بجان دشمنان اسلام و ایران  
می‌باشد ای اداحتی ای اداحتی ای اداحتی ای اداحتی ای اداحتی ای اداحتی  
میلیون به چند هزار تن رسید و معلوم نیست آنها هم از راه  
خلوص سر به سجده الهی می‌نهند! یا نمارگزاری برایشان  
عادت شده است.

راه‌پیمایی‌های عظیم و بی‌نظیر مان جلوه کوچکی از  
تظاهرات خیابانی را پیدا کرده است.  
مسجد‌های ایمان حالی شده است و دیگر از بام خانه‌ایمان  
بانگ دل‌انگیر «تلماک» شنیده نمی‌شود.

مردم همه عمجین و پریشان شده‌اند.  
انقلابیان دیروز همه نومید و پیشیمان شده‌اند، دیگر نه  
شوقی باقی مانده است و نه ذوقی، نه حرکتی به جسم مسخور

و نه جنبشی، گروه عظیمی از پوندگان راه حق و صاحبطران  
مؤمن «خانه نشین» شده‌اند و عده‌ای ناچرخ و کار باساش و

چه بسایی ایمان در سلک خردمندان و کارداران و مؤمن

«گیسوان بافتمنان که علویند!»

گروهی که تا دیروز مداعا شاه خائن سودند و در منبر و  
تریبون دعاگوی «اعلیحضرت» بشمار می‌رفند امروز خود را

نسل انقلابی معرفی می‌کنند و اگر کسی گذشته آنها را یاداور

شود، چماق «مکتی» نیومن، آنچنان بر سرش می‌خورد که

برای همیشه «صم و بکم» می‌گردد.

بسایه‌ترین افراد، ارزیاب «سوانی» مردم شده‌اند و در این  
راه سایه همه را می‌بیند آنطور که دلنشان می‌خواهد اما سایه

خود را بکلی فراموش می‌کند.

اتامرون الناس بالمر و تنسون انفسهم

رأی مبدهیه اما برای یکدیگر ارش قائل نیستیم. نظر

میدهیم اما به نظرات یکدیگر احترام نمی‌گذاریم. به رئیس  
جمهور مقامش معلوم است به وریز جایگاهش آشکار است. نه

وکیل میدارد چه ناید بکند!

نه شیمان ش است و نه رورمان رور!

چه شده است؟ چه بلاتی از آسمان بارل شده است؟ مگر ما

همان برادران سابق و همان حویدگان حقیقت و عدالت

نیستیم؟

مگر نمی‌گفته انعام‌المؤمنون اخوه

مگر نمی‌گفته اعدال‌الواعقوب للتقوى

مگر نمی‌گفته فاصلحاوا

مگر نمی‌گفته ما اریدالا الاصلاح ما استطعت

کجا هیم؟ به کجا میریم؟ اسلام کجا رفت! ایران چه شد! آرادی

را در کجا این بشر این بشر این بشر این بشر این بشر!

«أهل الدکر» کجا هستند؟

فقط اسلامی در کجا است؟

«حكومة عدل علی» آیا همین است!

یا قاصم‌الجبارین! ایس روش و ایس روش ریمانی ای ای معاویه

است ای آن عبد‌الملک است ای آن حجاج بن یوسف است!

هیهات، هیهات ایگر، روندگان راه حسین، آن مظہر پاکی

زد و بندهای ایگر، دانسته یا ندانسته در

خط ضدانقلاب و یا امپریالیستها

هستند.

شگفت آنکه پس از فاجعه

زشت روز پنجه‌شده در امجدیه و

یورش اخلاق‌گران حرفاً شناخته

شده، پاره‌ای از دست‌اندرکاران

حکومت سنگ ازدای و قانون به

سینه می‌کوبند و اینگونه رفتارها

را محکوم می‌نمایند و از مردم

برای «معرفی این عوامل» یاری

می‌خواهند ولی در عمل از هرگونه

تعقیب جدی خودداری مینمایند

و موضوع را به تعارف می‌گذرانند

توان بکوشند.

## ساختمان سابق بنیاد مستضعفان بوشهر در آتش سوخت.

بنای گزارش خبر گزاری پارس در هفته گذشته  
ساختمان سابق بنیاد مستضعفان بوشهر به آتش کشیده  
شد و بکل سوخت.

این ساختمان که در اصل متعلق به رئیس سابق  
شهربانی استان بوشهر بود پس از پیروزی انقلاب مصادره  
شد و تا هفته قبل بعنوان مرکز بنیاد مستضعفان از آن  
استفاده می‌شد، اما به تازگی از طرف دادستان انقلاب  
اسلامی بوشهر و هیات نظارت بر فرمان امام از ساختمان  
مزبور رفع توقیف شده بود خبر گزاری پارس در این  
گزارش اضافه می‌کند: «بنظر میرسد آتش سوزی در این  
ساختمان که قرار بود به صاحب اصلیش بازگردانده شود  
بر سر اختلاف بین دادسرای انقلاب و بنیاد مستضعفان  
صورت گرفته باشد».

ارگان حرب ملت ایران

## اویسی جلال

مجتمعی کردند مرعان حهان- آج بودند آشکارا و بهان.  
گفتگوها کردند و رایی‌های سیار سهود و سرانجام  
«هدده» آن پیشوای «هادی شده» را که برایان همه مرغلان را  
میدانست به سر کردگی برگردیدند و ار او شیدند که می‌گفت:  
هر که اکون از شما مرد هید سربر آرید و پا ندرنهید  
فوج فوج، مرعان بحر کت در آمدند و برای ریارت سیمرغ سوی  
کوه قاف پروار کردند.  
سالها رفند در شب و فرار

صرف شد در راهشان عمردراز  
بیانها در نور دیدند، هم‌اهانی در تف افتاب سوختند،  
یارانی گرفتار شیران و پیلگان شدند، منافقانی که در آرزوی

«دانه» چون دیپاپستانی «دیوانه» برادران را پیمایی حود را  
کشند، یاس‌ها و حرمان هارا را حود دور کردند،  
وادی‌ها را یکی پس از دیگری پشت سر نهادند و سرانجام:

زان همه مرغ اندکی آنجا رسید  
از هزاران کسی کهک آنچا رسید  
بیروزی از آن مرعان خسته و دل شکسته و رنجور گردید و  
رسیدند به آنجا که باید برسند. اما:

خویش را دیدند سیمرغ تمام  
بود خود سیمرغ، سی مرغ مدام  
کامل در حودشان بود و حود بودند مظاهر تجلی آنچه را که  
می‌جستند.

نحو اقربالیه من حبل الورید  
\*\*\*

برگردیدم به احوال رزمندگان زمانه خود، رزمندگانی که  
از کنار سیلاپ‌های حوبین گذر کردند و جان بسلامت بدر  
بردنده. یاد او ریه او باران رفت، که در خون خود غوطه  
خوردند بامید رسیدن به پیروزی و شستشو در چشم  
خورشید!

از فردای انقلاب، ما بدنبال «صدانقلاب» حرکت  
کردیم، خواستیم «طاغوت» را بزنجهیر گشیم، خواستیم  
«شاه» را که نماد همه معاس و نایمه‌ماری‌ها بود، بدادگاه  
عدالت اسلامی بیاوریم و انتقام بی‌فصلینی‌ها را از او  
بگیریم. خواستیم همکار حسایتکار شاه حائی، اویسی  
بی‌آزم، آن جلال خون اشام را سر از تن ببریم، خواستیم  
همه دیوان مهیب و ادمخوار را بسرای اعمال پلیدشان  
برسانیم.

با اینکه ادعای داشتیم، چون روز نخستین رهبری  
«هدده‌هادی شده» را پذیرفتیم اما در حرکت نمای دانی  
چه بر سرمان امده؟ آن مرعان برای رسیدن به «سیمرغ»  
حرکت کردند و خواستند در آن «حیات» بایدند.  
ما برای دسیانیه «طاغوت» حرکت کردیم و  
خواستیم در نابودی آن «حیات» بایدند.

آن مرغان در هوادی و منزلی تزیه بیشتری یافتدند،  
خود پرستی و نفس گرانی و چند گانگی را کنار نهادند:

ما اسیر نفس شدیم. خود خواه شدیم. یگانگی و  
«وحدت کلمه» را فراموش کردیم. چند گانه شدیم، گونه  
گون شدیم. آن مرغانی را که اهل طریقت نبودند،  
از خود دور کردند. شنایانی

کردند و هب محربیت ندادند، و رانده شدگان بس بدنبال  
کار خود رفتند. ما هم اهل صمیم حود را زندگیم، پاهاستگان  
نخستین را ارجود دور کردیم، به «الساقون الساقون»  
بی‌توجه ماندیم و هر فرست طلب تاره بدوران رسیده‌ای را در  
زمه «المقریون» قرار دادیم.

بنام پاکسازی و تصفیه، عرضوری و عساد ششان دادیم، در  
دانشگاهها و مدارس سی‌نظمی و بی‌فرهنگی را توسعه بخشیدیم،  
در ارتش گسینگی ریان اور ایجاد کردیم، در سیاه پاسداران  
چند دستگی را روحانی و هر فرست طلب تاره بدارگاه‌های برگ

انقلاب ار قوانین اسلامی و دستورهای احلاقی قرآن مجید  
سریجیچی کردیم، در انتخابات مجلس روشاهی «طاغوتی» بکار  
بردیم. در مجلس نشکل شد، «خرده حساهای شخصی» را  
مطرح کردیم، در هیات دولت کارشکی بی‌بود آوردیم، در

شورای انقلاب روبروی هم ایستادیم، در رونامه‌های حود  
بنجای سارندگی یکدیگر به تحریب پرداخیم، در کامنه‌ای برگ

انقلاب ار قوانین اسلامی و دستورهای احلاقی قرآن مجید  
چوب و چمچ را حاکم ساختیم، گلهای دشمن کش را بقلب  
دوستان خود نشاندیم.

شب و روز شایعه‌سازی کردیم، همه همه را متهم ساختیم،  
دروع گفتیم، کتمان حفایق کردیم، بی‌انصافی را به حداعلا  
رساندیم، هر جا ارامش بود بهم ریختیم، از فرود گاه مهربانی  
خیابانهای تهران همه جا آشتفگی را دامن زدیم، در گردستان

و خوزستان، در تر کمن صحراء و فارس، در آذربایجان و خراسان،  
در بلوچستان و سیستان، در مارندران و اصفهان هر جا که رفیم  
و سخن گفتیم، اتسش به انبار اختلال انداحتیم، قلمهای را  
شکستیم، زبانها را بریدیم، بی‌سودای وجهل و تعصیب را رونق  
دادیم، در ادارات و کارخانهای هم کاری و هم اخلاقی وجود  
آوردیم، بنام «شورا» هر صاحب ایمانی را از مشورت بیزار

## مصاحبه

همه انتظار دارند که نظام جمهوری اسلامی ایران بر طبق قانون اساسی بوجود آید. قوای سه‌گانه کشور بسرعت دوران ظم و کار را پیدید آورد. من نمی‌دانم دیگر بقای شورای انقلاب وجود دادسرها و دادگاههای انقلاب، وجود کمیته‌ها که هریک برای خود پاسداران و پیوهای دارند و همه آنها در همه کارهای داخلی می‌کنند برای چیست.

فروهر در ادامه سخنان خود گفت: بنظر من نباید هیچ نهادی ولو آنکه صفت‌انقلابی به آن داده شده باشد خارج از نهادهای که در قانون اساسی بیش‌بینی شده کار خود را ادامه دهد. وی افروز کار قانون گذاری با مجلس شورا و کارهای اجرائی با دولت با اقتدار می‌باشد که هرچه زودتر باید تشکیل گردد و در کارهای قضائی نیز تنها دادگستری دخالت کند و رئیس جمهور هم طبق قانون اساسی به تنظیم روابط قوای سه‌گانه این عمل را این‌جا می‌باشد که استقرار حاکمیت ملی و اجرای قانون اساسی با رهنمودهای رهبر انقلاب امام‌حکمینی کاری است که می‌تواند با سرعت و قاطعیت انجام شود، اگر انحصار گران و سازشکاران بازهم روش خود را ادامه دهند و هر روز بوسیله برانگیختن یکی از مراکز قدرت در گوششان از کشور نابسامانی را دامن زنند، همچنان که گفتم دست‌آوردهای انقلاب اسلامی ملت ایران با خطر جدی روپرور خواهد شد. امروز می‌بینم ما بیش از هر چیز به نظم و کار نیاز دارد و اینهم جزا زره حکومت قانون حزب با وجود امنیت قضائی و امنیت شغلی برای مردم و جریان حفظ ارادهای فردی و اجتماعی تأمین نخواهد شد.

داریوش فروهر بعنوان دبیر حزب ملت ایران درباره مسئله «روگانها» گفت: متن از آغاز

با دادن نام گروگان به کسانیکه سفارت آمریکا را به لاهه جاسوسی بدل گرده بودند توافق نداشتم. به نظر من طبق آگاههایی که بمقدم ایران داده شد، اینها یک عده جاسوس زندانی شده بودند. من روش تردید آمیز دولت را در چندماه گذشته که سیاست حارحی کشور را به بن‌بست کشید درست نمیداشم. بخصوص پس از کفراسی بین‌المللی بررسی مداخلات آمریکا در ایران که بدستور امام خمینی تشکیل شد و روشگیری‌های لام در آن انجام گرفت، زمینه تعیین تکلیف، از لحاظ افکار عمومی مردم جهان فراهم شده است، باید بیدرنگ بازداشت شدگان را دریک دادگاه ایرانی که رعایت تمام اصول حقوقی در آن باشود به دادرسی کشید و اگر در میان پنجاه و سه‌نفر بازداشت شده بیگانی وجود دارد فوری آزاد شود و کسانی که برخلاف همه مוואزین و قواعد حقوق بین‌المللی از صونیت سیاسی خودسوء استفاده کرده و دست به جاسوسی زده‌اند به کیفر برسند.

داریوش فروهر در ادامه سخنان خود گفت: این ملت ایران نیست که با چنین دادرسی، موازین حقوق بین‌المللی را نادیده می‌گیرد. این امیریالیسم آمریکا بوده است که با اراده داشتن دیبلماتی‌های خود به جاسوسی، حقوق بین‌المللی را ساریجه خود قرار داده و بطور کلی یک بار دیگر در قبل گفتم که حقوق بین‌المللی همواره بازیچه ایرقدرت‌ها بوده است و انقلاب اسلامی ملت ایران نمی‌تواند خود را در چارچوب این روابط استعمار ساخته دچار حصر کند.

فروهر افزود به نظر میرسد داستان بازداشت جاسوسان آمریکائی که شروع آن بایک حرکت انقلابی از سوی دانشجویان پیرو خط امام انجام گرفت، اکنون هم در آمریکا و هم در ایران بیک وسیله بازیهای سیاسی و کشمکش برای درست داشت قدرت تبدیل شده است همانطور که گفتم تعیین نکلیف حاسوسان آمریکائی از راه یک دادرسی ضرورت فوری دارد و بیش همه سندها و مدرک‌های بیست آمده در لانه جاسوسی باید یک جا و هرچه زودتر در اختیار یک هیأت صلاحیت‌دار تحقیق قرار گیرد.

داریوش فروهر در اینجا، درباره تعطیل دانشگاه‌ها و انقلاب فرهنگی از نظر حزب ملت ایران گفت: هم‌مردمان من در حزب که درز می‌نمایم نظام آموزشی تخصصی کافی دارند بر این اعتقاد هستند که دیگر گونی بینایی در نظام آموزش عالی کشور ضروری است قطعی، ولی اینکار بهیچ وجه نیاز به تعطیل دانشگاه‌ها و مدرسه‌های عالی ندارد. چنین عملی خود موجب انقطاع فرهنگی خواهد شد باید از فرست تعطیلات تابستانی مرکزهای آموزشی حداکثر بهره‌برداری را کرد و در هدف بنیادها و روش نظام آموزشی تغییرات انقلابی لارم را پیش‌بینی کرد و برنامه آنرا تدوین نمود و از آغاز سال تحصیلی به اجرای گذاشت. بی‌شک چنین حرکت انقلابی باید در رابطه با حرکت‌های انقلابی در کلیه رمینه‌های اجتماعی و فرهنگی باشد ولی در هر حال در اینجا آن، بوجود کار بدستان هوشیار و توانایی این دستاندر کارانی که حتی در اینجا کارهای روزمره اداری خود درمانده‌اند....

## آدمان ملت

ارگان حزب ملت ایران

دارنده امتیاز: امیرسلیمان عظیم

رییس نظر شورای بوسیله‌گار

شماره حساب سیکی ۹۸۲۳ باک صادرات شعبه فردویی

خیابان سپند شماره ۲۶ طبقه سوم تلفن ۰۹۸۲۱۷

صندوق پستی ۱۱۵۷ - ۳۱۴

## گرد همایی کارگران خیاز

کارگران خیاز می‌گویند، ما هر چه داریم از اتحادیه و سندیگا است.

در روز سمشیه بیستم خردادماه، کارگران خیاز بنا به دعوت اتحادیه سندیگاها کارگران خیاز تهران و حومه، در یک جلسه عمومی شرکت کردند. در این جلسه کریم شافعی، رئیس اتحادیه کارگران خیاز دشواری‌های کار و زندگی را مورد انتقاد قرار داد و گفت: «تعطیل یک سازمان دولتی بوسیله یک نهاد دولتی دیگر عملی غیرمنطقی است».

## اداره کل ارشاد ملی کردستان تعطیل شد

بر طبق گزارش خبرگزاری پارس از کردستان، اداره کل ارشاد ملی این استان بوسیله سپاه پاسداران تخلیه شده و کارمندان آن به خانه‌ها یا شان فرستاده شده‌اند و ساختمان این اداره در تصرف سپاه پاسداران است. بدنبال این واقعه در هفته گذشته وزیر ارشاد ملی این عمل را غلط و غیر منطقی دانسته است.

وزیر ارشاد ملی در همین رابطه اظهار داشت: «در یکسال گذشته هیچیک از ادارات دولتی در کردستان فرصت فعالیت نیافرته‌اند و بفرض اینکه ایرادی هم به بعضی از کارمندان یا همه آنها وارد باشد، باز هم تعطیل اداره کل ارشاد ملی را توجیه نمیکند».

## قول رئیس جمهور یا تهمت سپاه پاسداران

در روزنامه کیهان بتاريخ سفینه ۲۰ خردادماه در صفحه ۱۲ می‌حواییم «هیاتی از سوی دکتر سید ابوالحسن بی‌صادر رئیس جمهوری کشورمان برای بررسی اوضاع حبوب کشور با تفاوت حسرو شقائقی به فارس میرود». این خبر بدنبال رفع اتهام از حسرو شقائقی توسط رئیس جمهور و دستور امام مبنی بر آزادی ایشان و تربیت ایشان یا همی‌آنها وارد باشد، باز هم تعطیل اداره کل ارشاد ملی را توجیه نمیکند».

آقای بنی صدر پیرامون چگونگی دستگیری حسرو شقائقی می‌گوید «پرونده‌اش را گفتم آوردن اینجا و آقای موسوی اردبیلی دادستانی کل در منزل امام بود و امام فرموده بودند که این شخص باید آزاد شود و پرونده را حوالدم و دادم دوباره فرستاده بودند برای من. من پرونده را حوالدم و همه مدارک همی‌هایی باشد که در دست ما است متسافنه داستان ایشان نیز مثل داستان دریفوس است».

رئیس جمهور در حای دیگر می‌گوید: «من خودم پرونده ایشان را مطالعه کردم و گزارش آن را نیز به مجلس خواهیم فرستاد و روی متن فارسی که از آن تهیه شده اگر مجلس رای داده باشد رایش نادرست است. حق اینست که این چند برگه انگلیسی هیچگونه دلالتی بر جاسوسی سیا بودن ایشان ندارد. عکس آنهم دلالت دارد. بر اینکه یک کسی مامور کارهای اینهاست که باید گزارش بیاورد که مثلاً رهبری ایل چگونه است و سازمان ایل چگونه، و هم چنین تاریخهایی که در این چند برگه اینکه می‌گویند متن مصاحب احتصاصی کیهان اینست که او در این تاریخ اصلاح در ایران نبوده است و نه تنها پرونده به زیان او نیست بلکه کلی به سود اوست. البته اینکه من دیدم و اینکه در این کشور ممکن باشد با اینطور پرونده‌ها در عصر اول جمهوری اسلامی آنهم با یک و کل مجلس عمل کرد این خبر برای تضعیف ارکان این جمهوری نبوده اینسته و وقتی این پرونده خوانده شد دیروز دادم با ترجمه صحیح مطالب بروند خدمت امام و پرونده برده شد خدمت ایشان».

اما آنچه غریب مینماید متن مصاحب احتصاصی کیهان است با یکی از مسئولان بی‌نام و نشان سپاه پاسداران در صفحه ۱۶ همان شماره که در آن گفته شده است: مدارکی در دست است که ایشان از سواک می‌لیونها ریال می‌گرفته و یا پولهایی به حساب نامبرده در اروپا و اریز می‌گردیده است (ماهانه به هزار مارک از طریق نمایندگی سواک در آلمان می‌گرفته است) مردم نمیدانند قول رئیس جمهور و دستور امام را ناور کردند تهمت جدید سپاه پاسداران را!

## قیمت سیگارهای ایرانی دو برابر شد

براساس موافقت شورای انقلاب بهای سیگارهای شرکت دخانیات ایران به دو برابر افزایش یافت. آقای هریش مدیر عامل شرکت دخانیات، گفت: «افزایش قیمت سیگار به دو برابر و نیز استفاده از آن هیچگونه رطی سه شرکت دخانیات ندارد بلکه مالیاتی است که بابت حرید سیگار از مصرف کنندگان دریافت و به حساب دولت و ایریز می‌گردد» شایان توجه است که از مدتها قبیل قیمت فروش ابوعس ایشان ایرانی در بازار در عمل به دو و گاهی سه برابر قیمت افزایش یافته بود و خریداران سیگارهای ایرانی که از طبقات کم درآمدتر جامعه هستند، ماهها است که مشمول برداشت چیز اضافه قیمتی شده‌اند. متهی نه به اسم مالیات.

## نظام آموزشی عالی کشور را بآجودی از افق‌لاب ساز وارکنید

